

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

[۳]

روشنگری دینی

فاجعه جهل مقدس

سید مصطفی محقق داماد

فهرست مطالب

- ۷.....پیشگفتار
- ۹..... ۱. قرائت قدرت‌اندیشانهٔ ابزاری از دین
- ۳۱..... ۲. کج‌اندیشی دینی عامل اصلی در شکل‌گیری فاجعهٔ کربلا
- ۵۹..... ۳. نهادهای حقوقی مورد سوءاستفاده در شکل‌گیری فاجعهٔ کربلا
- ۹۱..... ۴. نهادهای کلامی مورد سوءاستفاده در فاجعهٔ عاشورا
- ۱۳۱..... ۵. فاجعهٔ جهل مقدّس
- ۱۵۳..... ۶. شست‌وشوی مغزی (استخفاف) و فرار از آن
- ۱۷۱..... ۷. فرار از استضعاف
- ۱۹۵..... ۸. اخلاقِ ماتقدّم بر دین
- ۲۳۱..... ۹. جهل و فقر؛ همزادان شوم
- ۲۵۵..... ۱۰. عناصر اصلی امنیّت قضایی
- ۲۷۹..... ۱۱. احیای سنّت قم؛ اجتهاد و اعتدال
- ۲۹۷..... ۱۲. قم؛ آن‌گونه که من دیدم
- ۳۳۱..... ۱۳. آمال حکیم
- ۳۵۱..... ۱۴. دغدغهٔ حکیمان نسبت به صلح جهانی
- ۳۶۷..... ۱۵. حکیم و حکمت قرآنی از دیدگاه صدرالمُتألّهین

فهرست اصطلاحات و اسامی اعلام ۳۹۷

فهرست تعدادی از مأخذ مورد استفاده ۴۱۳

قرائت قدرت‌اندیشانه ابزاری از دین

مایلم سخنم را در این درس از یک مکتوب تاریخی آغاز کنم. علامه حلّی در کتاب *نهج‌الحق و کشف‌الصدق*، نامه‌ای از عبدالله بن عمر خطاب به یزید بن معاویه عیناً از قول بلاذری^۱ آورده است.

عبدالله بن عمر از شخصیت‌های مدینه است؛ روایات واصله دلالت بر فقاقت او دارد؛ حتی در مسئله ازدواج موقت، رأیش با رأی پدرش مخالف بود. به‌رحال به‌رغم روایات زیادی که در مدح وی وجود

۱. احمد بن یحیی بن جابر بلاذری بغدادی کاتب، از مهم‌ترین مورخان و نسب‌شناسان قرن سوم است. سال تولد وی دانسته نیست، اما گفته شده که قدیمی‌ترین شیخ او که وکیع بن جراح است، در ۱۹۷ق. درگذشته و آن زمان، وی باید هفت تا ده سال سن می‌داشته است. ابن ندیم از او و آثارش یاد کرده و وی را از مترجمان کتاب‌های فارسی به عربی دانسته است، که از جمله آثارش، ترجمه عهد اردشیر به شعر است (ص ۳۷۴). یاقوت با تفصیل بیشتری از او یاد کرده و از ذکر مشایخ وی توسط یاقوت چنین برمی‌آید که بلاذری دانش خود را از محدثان شامی - عراقی برگرفته است. دو کتاب با ارزش از بلاذری برجای مانده است: یکی *فتوح البلدان* و کتاب با ارزش دیگر وی، *أنساب الاشراف*، که تاریخ دوران اسلامی را در قالب نسب‌شناسی و خاندانی آورده است.

دارد، آنچه مسلم است این است که برای رسیدن به خلافت و وصول به قدرت، بسیار مایل بوده ولی دلش می‌خواست به راحتی این سمت نصیبش شود و به قول حافظ: «دولت آن است که بی خون دل آید به کنار».

نوشته‌اند سه بار به وی پیشنهاد خلافت داده شد. اول، بلافاصله پس از قتل عثمان در ۳۵ق. / ۶۵۶م؛ دوم، در هنگام مذاکرات حکمین بر سر نزاع علی (ع) و معاویه در صفین در ۳۷ق. / ۶۵۸-۶۵۷م. و سوم، پس از مرگ یزید در ۶۴ق. / ۶۸۳م. که هر سه بار به علت اینکه تمایل داشت مردم بر خلافتش متفق القول باشند و به هیچ‌گونه خون‌ریزی برای حفظ آن نیاز نباشد، این پیشنهاد را رد کرد.

«لامنز» از نویسندگان غربی، در خصوص علت رد کردن خلافت توسط عبدالله می‌نویسد: «رد وی به علت روحیات صلح‌جویانه و آرامش‌طلبانه وی بوده است. عبدالله از لحاظ جسمی ضعیف بود و پدرش، عمر، نیز به این موضوع پی برده بود»^۱.

به‌هرحال متن نامه بدین شرح است: «لَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنُ كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ إِلَى يَزِيدَ بْنِ مَعَاوِيَةَ: أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمَصِيبَةُ، وَحَدَّثَ فِي الْإِسْلَامِ حَدَثٌ عَظِيمٌ، وَ لَا يَوْمَ كَيَوْمِ قَتْلِ الْحُسَيْنِ»: «هنگامی که حسین بن علی بن ابی طالب (ع) کشته شد، عبدالله بن عمر نامه‌ای به یزید بن معاویه نوشت که: اندوه بزرگ و مصیبتی گران پیش

آمده و در اسلام حادثه‌ای بزرگ روی داده است و هیچ روزی مانند روز کشته شدن حسین نیست».

وقتی نامه عبدالله بن عمر به دست یزید رسید، چنین پاسخ داد: «فكتب إليه يزيد: أمّا بعد، يا أحمق، فإثنا جئنا إلى بيوت مجدّدة، و فرش ممهّدة و وسادة منضّدة، فقاتلنا عنها، فإن يكن الحقّ لنا فعن حقنا قاتلنا، و إن يكن الحقّ لغيرنا، فأبوك أوّل من سنّ هذا و ابتزّ و استأثر بالحقّ على أهله»: «ای نادان! ما به خانه‌های نو و فرش‌های گسترده و بالش‌های روی‌هم‌چیده دست یافتیم و برای نگهداشتن آن‌ها جنگیدیم! اگر حق با ماست که ما بر سر حق خود جنگیدیم و اگر حق با دیگری است، پس پدر تو نخستین کسی است که این بنیان را نهاد و حق را از اهلش گرفت»^۱.

تاریخ ادیان نشان می‌دهد که گرایش به دین و ورود به یک نحله و

۱. نهج‌الحق و كشف‌الصدق، ص ۳۵۶؛ این کتاب مستطاب یکی از مهم‌ترین آثار مرحوم علامه حلی است. مؤلف در این کتاب از مباحث کلامی آغاز و به مباحث فقهی ختم کرده و کلیه مباحث مورد اختلاف میان شیعه امامیه با مکاتب چهارگانه فقهی را مطرح نموده و بر اساس منبع اهل‌تسنن به نفع نظر امامیه استدلال کرده است. علاوه بر این به مباحث ادبی، تفسیری، تاریخی و غیره نیز پرداخته است. جالب است گفته شود که پس از انتشار این کتاب، که عنوانش نهج‌الحق... بوده، شخصی به نام فضل‌بن‌روزبهان به بهانه شرح کتاب علامه، کلیه مطالب را مورد نقد و انتقاد قرار داده و ابطال‌الباطل عنوان داده است. پس از انتشار این کتاب مرحوم قاضی نورالله شوشتری، یکی از علمای نامدار امامیه، کتابی تحت عنوان احقاق‌الحق تألیف کرد و میان شارح و ماتن قضاوت و در کلیه موارد به نفع ماتن رأی داده و در برخی موارد با عصبانیت به تلخ‌گویی پرداخته است. قسمت مباحث کلامی کتاب احقاق‌الحق با شرح و پاورقی، توسط گروهی از محققین تحت نظارت و اشراف آیت‌الله مرعشی نجفی، در ۲۳ جلد در قم منتشر شده است.

1. "Abd Allāh b. Umar b. al-Khattāb", in: *Encyclopaedia of Islam*, Vol 1, P 53-54.